

دفاع غیر نظامی و ارزیابی کار ویژه بسیج در پرتو آموزه‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

نادر ساعد

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هفتم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۳

چکیده

حقوق بشردوستانه به عنوان مقررات حاکم بر منازعات بین‌المللی و غیر بین‌المللی، حاصل تلاقی و توازن دو ملاحظه ذاتاً متضاد است: ملاحظات نظامی از یک سو و مقتضیات بشردوستی از سوی دیگر. رسالت این حقوق، تأمین رفتار انسانی و تعمیم آن از زمان صلح به دوران درگیری است. بر این اساس، اصل بر انجام اقدامات جنگی با رعایت ملاحظات و محدودیتهای ناشی از اصل بشردوستی یا انسانیت است و تنها در برخی از موارد که ضرورت نظامی ایجاب کند (مشروط بر آنکه این امر متضمن نقض فاحش بنیادهای حقوق مذکور نباشد)، این اصل ممکن است استثنا پیدا کند.

از آنجا که صرف ایجاد مقرراتی برای حمایت از قربانیان درگیریه‌ها نمی‌تواند رهایی از آثار قهری جنگ را تضمین نماید، راهها و ساز و کارهایی تعبیه شده که «دفاع غیرنظامی» یکی از آنهاست.

در این نوشتار، نهاد «دفاع غیرنظامی» در پرتو حقوق بشر دوستانه؛ یعنی مقررات حقوق ژنو ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، سپس وضعیت قانونی و عملی واحدهای نیروی مقاومت بسیج سپاه از نظر بهره‌مندی از اوصاف حقوق بین‌المللی سازمان دفاع غیرنظامی، بررسی و ارزیابی شده است.

برخلاف مقررات حقوقی حاکم بر توسل به زور و مشروعیت آنها (موسوم به حقوق توسل به زور)^۱، بخشی از حقوق بین الملل نیز به نام حقوق بشردوستانه یا حقوق درگیریهای مسلحانه^۲ وجود دارد که هم حاوی قواعدی در رابطه با انجام مخاصمات است و هم متضمن قواعدی برای حمایت از افراد تحت کنترل طرف متخاصم.^۳ در این راستا، دیوان بین المللی دادگستری^۴ در سال^۵ ۱۹۹۶ ضمن تدوین دکتترین عام در خصوص تحول تاریخی حقوق بشردوستانه^۶ اعلام کرد که حقوق لاهه (حقوق مرتبط با انجام مخاصمات مندرج در یک سلسله از معاهدات سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷) و حقوق ژنو (حقوق حمایت از قربانیان) مندرج در کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو، نهایتاً در چارچوب پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ به هم دیگر پیوند یافته‌اند^۷ تا یک مجموعه واحد حقوقی را به نام «حقوق بشردوستانه» تشکیل دهند.^۸

حقوق بین الملل بشردوستانه یکی از توسعه یافته‌ترین بخشهای حقوق بین الملل است که بی‌شک در وضعیت کنونی جامعه بین المللی، قواعد و اصول آن بیش از سایر عرصه‌های حقوقی مورد توجه قرار دارد. شاید وقوع درگیریهای مختلف، به ویژه غیر بین المللی در بخشهای زیادی از جهان و انتشار اطلاعات مربوط به فجایع ناشی از درگیریهای بین المللی اخیر (نظیر جنایات جنگی اشغالگران در افغانستان و عراق، به ویژه گزارشهای اخیر در مورد سوء رفتار با اسیران جنگی عراقی توسط نیروهای امریکایی و انگلیسی) را بتوان علت این توجه خاص دانست. اما در هر حال، اهمیت «بشر» به عنوان موضوع حقوق بین الملل معاصر، که این حقوق رسالتی جز تأمین منافع آن ندارد، دلیل نرم‌افزاری فزونی سرعت توسعه حقوق بشردوستانه و جایگاه ویژه آن در افکار عمومی جهانی است.

این جایگاه مهم می‌طلبد که همه دولت‌ها فارغ از تنوع فرهنگی و نظایر آن، جهان شمولی حقوق بشردوستانه را ارج نهند و مراعات کنند. در پرتو همین جهان شمولی است که به رغم عرفی بودن بسیاری از این موازین، به ندرت دولتی را می‌توان یافت که نسبت به تعهدات بشردوستانه التزام قراردادی نیز نداشته باشد.

رسالت و غایت^۹ حقوق بشردوستانه، حمایت از «قربانیان درگیریهای مسلحانه»^{۱۰} و «محدود کردن دامنه و پیامد اقدامات خصمانه و جنگی طرفهای منازعه»^{۱۱} است.

برای تحقق این غایت و هدف اصلی، مقررات مختلفی به صورت ایجابی و سلبی برای حمایت از نظامیان، غیرنظامیان و همچنین اهداف نظامی و غیرنظامی تدوین شده تا دولت‌ها و طرف‌های درگیر داخلی، در پرتو رعایت آن حمایت‌ها، از درجه اقدامات جنگی خویش بکاهند و اقدامات جنگی نیز همانند هر عمل دیگری که واجد اثر و پیامد حقوقی است، در چارچوب قانون صورت پذیرد.^{۱۲} با اینکه به نظر می‌رسد جنگ؛ به عنوان مظهر بی‌نظمی را نمی‌توان با حقوق؛ به عنوان مجموعه‌ای از هنجارهای نظم آفرین تلفیق کرد، با این حال حیات عملی حقوق نشان داده است که نظم حقوق بین‌المللی با توفیق و هنرمندانه توانسته است حداقل از اواخر قرن هیجدهم؛ یعنی سالهای ۱۸۹۹ به بعد، چنین تلفیقی را محقق سازد.

در این میان، در کنار نقشی که سازمانهای بشردوستانه بی‌طرف، نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، برای تشویق به اجرا و نظارت بر رعایت این حمایت‌ها یا فراهم کردن زمینه‌های کمک بشردوستانه به قربانیان، به ویژه غیرنظامیان بر عهده دارد، مقرر شده است که دولت‌های هر طرف مخاصمه بین‌المللی یا سایر دولت‌های بی‌طرف بتوانند با بهره‌گیری از سازمانهای غیرنظامی خویش، مسئولیت حمایت بشردوستانه از این قربانیان را در طول درگیری‌ها به عهده گیرند و این سازمانها نیز در مقابل، از حمایت بین‌المللی در انجام کارکردهای بشردوستانه خویش برخوردار بوده، از آتش منازعات در امان باشند. این سازمانها که «سازمان دفاع غیرنظامی» نام دارند، ممکن است ساخته و پرداخته دولت‌ها در زمان صلح باشند. با این حال، کارکرد آنها مدیریت بحرانهای بشردوستانه با بهره‌گیری از توان حمایتی و کمک‌رسانی یا امدادی آنهاست.

در این نوشتار ضمن بررسی مفهوم و خصایص این سازمانها (بند اول)، حمایت از آنها را در پرتو حقوق بشردوستانه تجزیه و تحلیل خواهیم کرد (بند دوم)، سپس با بررسی قوانین، مقررات و عملکرد نیروی مقاومت بسیج، وضعیت آن را بر اساس این شواهد و اسناد، ارزیابی خواهیم نمود.

در نگاه اول، به نظر می‌رسد که نیروی بسیج هرچند عنوان «مقاومت» دارد و ممکن است از نظر عنوان، مسأله نهضت‌های مقاومت مردمی مذکور در کنوانسیون سوم حقوق ژنو (که یک نیروی مسلح نامنظم است) را تداعی نماید، اما در عین حال، قانوناً وظایف سازمان دفاع غیرنظامی را نیز پذیرا شده است. با این حال، حقوق بشر دوستانه اصرار

دارد که سازمان دفاع غیر نظامی کار ویژه‌ای صرفاً غیر نظامی داشته باشد ولی بسیج، عملاً نقش نظامی و حتی انتظامی را در اولویت قرار داده و قانوناً نیز واجد وظایف نظامی و غیر نظامی است. در این نگاه (به عنوان فرضیه اصلی نوشتار)، چنین به نظر می‌رسد که برای بهره‌مندی بسیج از حمایت‌های مقرر در مقررات ناظر بر دفاع غیر نظامی، لازم است قوانین داخلی نیز با توجه بیشتر به این گونه از کارکردهای بسیج و حمایت‌های بین‌المللی مذکور، بازنگری و تکمیل شوند.

به منظور تعمیق علمی در ابعاد مختلف این موضوع، ابتدا به وضعیت دفاع غیر نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه خواهیم پرداخت (بند اول)، سپس کار ویژه‌های بسیج را در پرتو آنها بررسی و ارزیابی خواهیم کرد (بند دوم). در خاتمه نیز بر اساس یافته‌های نوشتار، چند پیشنهاد ارائه خواهد شد.

بند اول: مفهوم شناسی و رژیم دفاع غیر نظامی در حقوق بشردوستانه

دفاع غیر نظامی انعکاس تلاش کسانی است که رسالت حقوق بشردوستانه را کاهش آلام و زینهای ناشی از توسعهٔ روشها و ابزارهای جنگی بر غیر نظامیان دانسته و «اصل عدم آزادی عمل دولتها در انتخاب نوع و روشهای جنگی» را به یکی از ستونهای اصلی و سنگ بناهای این نظم حقوقی تبدیل کرده اند. به منظور تحقق این حمایت بشردوستانه از غیر نظامیان، حقوق بشردوستانه به چند شیوه عمل نموده است:

- اصل احتیاط به منظور حمایت از غیر نظامیان و جمعیت‌های غیر نظامی در انجام

حمله و عملیات نظامی؛

- اصل تفکیک^{۱۳} به معنای لزوم تمایز بین اهداف نظامی و غیر نظامی در طول

درگیری و مصون داشتن اهداف غیر نظامی از عملیات خصمانه؛

- استفاده از خدمات سازمانهای دفاع غیر نظامی به منظور تأمین بسترهای حمایت

فنی از غیر نظامیان، نظیر ایجاد و مدیریت پناهگاهها، تأمین لوازم و پوششهای حفاظتی.

در ادبیات حقوق بشردوستانه برای تفهیم مقصود از سازمان دفاع غیر نظامی، دو مفهوم موسع و مضیق وجود دارد. مفهوم موسع که سابقهٔ آن به انعقاد کنوانسیونهای

چهارگانه ۱۹۴۹ به بعد باز می‌گردد، در سال ۱۹۷۷ با انعقاد پروتکل اول الحاقی، کنار گذاشته شد و به جای آن مفهومی محدود و مضیق انتخاب گردید.

۱- دو مفهوم از دفاع غیرنظامی در ادبیات حقوق بشردوستانه

در پروتکل اول الحاقی (ماده ۶۱)، مفهوم دفاع غیرنظامی به صورت مجزا از سازمانهای دفاع غیرنظامی ارائه شده است. دفاع غیرنظامی به مفهوم موسع آن معادل با «حمایت غیرنظامی»^{۱۴} است که در ادبیات حقوقی فرانسه نیز از آن با همین عبارت^{۱۵} یاد می‌شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در گزارشی (سال ۱۹۶۵) ضمن تفکیک بین مفاهیم موسع و مضیق مذکور، مقرر داشت که دفاع غیرنظامی در معنای نخست به کلیه تدابیر و اقدامات مربوط به دفاع ملی که فاقد طبع و ماهیت نظامی هستند، اطلاق می‌شود؛ نظیر اقدامات مربوط به حفظ وضعیت مقامات عمومی و نظم عمومی، ارائه خدمات عمومی همانند خدمات بهداشتی و حمایت از اخلاق عمومی و صنایع نظامی.^{۱۶} این در حالی است که دفاع غیرنظامی در معنای مضیق آن صرفاً برخی از این تدابیر و اقداماتی را، که هدف از آنها نجات جان غیرنظامیان و کاهش صدمات ناشی از جنگ بر آنهاست، در بر می‌گیرد و این همان معنای «اقدامات بشردوستانه» است که کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ بر آن تأکید کرده است.

در ادبیات حقوقی فرانسه، برای هر یک از این دو مفهوم، واژگان و اصطلاحات خاصی وجود دارد؛ به طوری که تنها مفهوم اخیر را *civile defense* می‌گویند. در هر حال، در کنوانسیون چهارم، که ظاهراً معنای عام و موسع مذکور را با استفاده از عنوان «سازمان حمایت غیرنظامی» در نظر داشت، در ماده ۶۱ پروتکل اول به نفع مفهومی مضیق از آن کنار گذاشته شد. بر اساس بند ۱ ماده مذکور:

«دفاع غیرنظامی عبارت است از انجام تمام یا قسمتی از وظایف بشردوستانه که منظور از آنها حمایت از سکنه غیرنظامی در برابر مخاطرات و همچنین مساعدت برای رفع آثار ناشی از مخاصمات یا مصائب و همچنین تدارک شرایط لازم جهت حفظ و بقای آنها می‌باشد».

۲- شرایط دفاع غیرنظامی در پروتکل اول الحاقی

پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، تنها سند حقوقی بین‌المللی در حقوق بشردوستانه است که به شرایط دفاع غیرنظامی می‌پردازد. بر این اساس، رسالت این سازمانها، انجام اقدامات «بشردوستانه» است. این اقدامات بشر دوستانه به روش احصایی در قالب پانزده مورد ذکر شده اند و باید به سه منظور عملی شوند.

الف) ماهیت بشردوستانه دفاع غیرنظامی

تا پیش از خاتمه جنگ جهانی دوم، دفاع غیرنظامی؛ یعنی ارائه کمکهای امدادی و فنی به غیرنظامیان قربانی درگیریهای بین‌المللی، تنها محدود به سازمانهای غیردولتی بشردوستانه نظیر صلیب سرخ و یا سازمانهای دفاع غیرنظامی دولتهای ثالث بود. افزایش توان رزمی کشورها و وقوع درگیریهای بین‌المللی که در آن فضای کاربرد سلاحهای جدید بر خلاف اصول بنیادین حقوق بشردوستانه (به ویژه تفکیک، تناسب و منع درد و رنج غیرضروری) فراهم شد، ضرورت توسعه ابزارهای لازم برای تقویت حمایت از قربانیان را افزایش داد. اما در کنفرانس دیپلماتیک سال ۱۹۴۹، نه تنها حمایت از غیرنظامیان تنها در پرتو اصل ضرورت نظامی (یعنی به صورت نسبی و محدود) مورد پذیرش واقع شد، بلکه وجود سرزمینهای متعدد تحت اشغال، سبب شد که دولتها از اعطای حمایتهای بشردوستانه به کارکنان دفاع غیرنظامی خودداری کنند.

در سال ۱۹۷۱ تلاش جنبش صلیب سرخ و هلال احمر برای رفع این خلاء و توسعه مفاد بند ۲ ماده ۶۳ کنوانسیون چهارم جان تازه‌ای گرفت و نجات جان جمعیت غیرنظامی در درگیریهای مسلحانه (که بیشتر هم و غم دولتهای درگیر صرف هدایت اقدامات جنگی می‌شود)، منوط به بها دادن به دفاع غیرنظامی و برطرف کردن ناکارآمدیهای کنوانسیون چهارم تلقی گردید.

به همین دلیل در پیشنهاد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیرامون پروتکل‌های الحاقی، دفاع غیرنظامی به عنوان یک نهاد بشردوستانه پیش‌بینی و مورد تأیید دولتها قرار گرفت. از نظر پروتکل اول، نقش دولت حامی یا سازمانهای غیردولتی نظیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در نظارت بر حمایتهای مقرر در حقوق ژنو برای غیرنظامیان، آن چنان کافی نیست که غایت حقوق بشردوستانه محقق گردد.

در سال ۱۹۵۶، «ژان پیکته» در توصیف «بشردوستی» می‌گوید: این نگرش در باره بشریت به عنوان دکترین اجتماعی ایجاد می‌شود و بشریت در مکتب آن بسط می‌یابد.^{۱۷}

بیستمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ (وین ۱۹۶۵)، با اعلام هفت اصل بنیادین فعالیت صلیب سرخ و هلال احمر، درباره آنچه صلیب سرخ با در نظر گرفتن بشریت می‌خواهد انجام دهد، توصیف زیر را ارائه داده است:

«بشریت زاینده میل کمک بدون تبعیض به زخمی‌های میدان جنگ و تلاش در مقام شخصیت ملی و بین‌المللی خود برای بازداشتن و درمان آلامی است که ممکن است انسان در هر جا متحمل شود. هدف آن حفاظت از زندگی و سلامتی و تضمین احترام به بشر است. این امر، درک متقابل، دوستی، تعاون و صلح پایدار میان جوامع را ترویج می‌کند.»^{۱۸}

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد برای تحقق اقدام «بشردوستانه» به مفهوم حقوق‌درگیریهای مسلحانه از جمله پروتکل اول الحاقی، وجود دو عنصر یا شاخص اصلی ضروری است:

نخست: جلوگیری، کاهش یا رفع آثار و پیامدهای زیانبار درگیری مسلحانه بر غیرنظامیان؛ به طوری که کاهش آلام جنگ و پیامدهای عملیات جنگی بر غیرنظامیان (کسانی که هیچ نقش مؤثری در درگیری ندارند) را می‌توان به معنای «بشردوستی» تعبیر کرد و دفاع غیرنظامی را نهادی به منظور کمک به تحقق آن در طول هر درگیری دانست.

با این حال، دفاع غیرنظامی الزاماً محدود به دوران جنگ نیست. بلکه در زمان صلح نیز حوادث مختلف طبیعی یا انسانی ممکن است روح همبستگی افراد را به تعاون و همدردی با یکدیگر سوق دهد و از تشکل آنها، سازمانهای امدادی یا بشر دوستانه شکل گیرد. این سازمانهای ایجاد شده در زمان صلح، می‌توانند هنگام درگیریها نیز به عنوان سازمانهایی که کارکرد بشردوستانه یا دفاع غیرنظامی دارند، با رعایت شرایط مقرر در پروتکل اول الحاقی فعالیت نمایند؛ زیرا پروتکل اول الحاقی دولتها را ملزم نکرده است که سازمانهای فعال در زمان صلح را از دفاع غیرنظامی مذکور در ماده ۶۱ مجزا سازند.

دوم: عدم نقش و کارکرد نظامی؛ بدین معنا که دفاع غیرنظامی در صورتی کارکرد تعقیب و پیگیری اقدامات بشردوستانه خواهد داشت که، اولاً: موجد حق به دست گرفتن اسلحه و مشارکت در عملیات جنگی؛ یعنی انجام سلسله اقداماتی که منفعت نظامی برای یک طرف درگیری دارد، نباشد. در واقع؛ از دفاع غیرنظامی به عنوان ابزار یا وسیله ای برای حمله به دشمن و تغییر نتایج جنگ استفاده نشود.

این امر را می توان مکمل شاخص نخست دانست؛ زیرا کاهش آلام جنگ مستلزم آن است که نیروهای دست اندرکار دفاع غیرنظامی، به جای ورود به حوزه عملیات و نقش آفرینی در اقدامات نظامی و جنگی، که موجب افزایش آتش جنگ و در نتیجه میزان قربانیان می شود، در پی خاموش کردن آتش این باشند. ضمن اینکه، اساساً نیروهای متشکل در دفاع غیرنظامی، باید افراد غیرنظامی باشند.

مقررات پروتکل اول، دو شاخص مذکور را به خوبی تحت پوشش قرار داده است. بر اساس بند ۳ ماده ۶۵، کارکنان دفاع غیرنظامی حق همراه داشتن اسلحه را ندارند و صرفاً نظامیان عضو این سازمانها هستند که برای دفاع از خود حق دارند اسلحه همراه داشته باشند، آن هم در حد دفاع شخصی و حتی باید به سلاحهای سبک انفرادی نظیر سلاح کمربند محدود گردد.^{۱۹}

در ماده ۶۷ نیز مقرر شده که دفاع غیرنظامی اصولاً مختص به کارکنان غیرنظامی است و حضور نظامیان در این تشکلهای، اولاً؛ حالت استثنایی داشته و در شرایط خاص باشد، ثانیاً؛ اختیارات نیروهای نظامی شاغل در دفاع غیرنظامی محدودتر از سایر اعضاست، به طوری که این افراد تنها در قلمرو دولت متبوع خود حق انجام فعالیت دارند.^{۲۰} ولی سایر اعضا حتی می توانند از این حوزه نیز فراتر بروند، بدون آنکه حمایتهای خویش را از دست بدهند.

ب) مصادیق احصایی دفاع غیرنظامی

در پروتکل اول، اقداماتی که به عنوان دفاع غیرنظامی قابل انجام هستند به روش احصایی بر شمرده شده و به پانزده مورد محدود گشته است. در نگاه اول، اصرار دولتها بر احصا کردن اقداماتی که می توانند در پوشش دفاع غیرنظامی انجام دهند، نشاندهنده احتیاط آنها نسبت به محدود کردن دامنه آزادی عمل در انجام عملیات جنگی است؛ زیرا اعطای حمایتهای بین المللی به سازمانهای دفاع غیرنظامی و

کارکنان و اموال آنها الزاماً موجب می شود که عملیات جنگی به صورتی کانالیزه و با ضابطه انجام شود و ضابطه مندی نیز الزاماً محدودیت آفرین است.

بند ۱ ماده ۶۱ پروتکل بدون آنکه از «بشردوستی» تعریفی دقیق ارائه کند، مصادیق وظایف بشر دوستانه را بدین شرح بیان کرده است:

- هشدار؛

- تخلیه؛

- اداره پناهگاهها؛

- نظارت بر رعایت اقدامات خاموشی؛

- نجات؛

- خدمات بهداری نظیر کمکهای اولیه و خدمات مذهبی؛

- اطفای حریق؛

- شناسایی و علامت گذاری مناطق خطر؛

- رفع آلودگی و اقدامات حمایتی مشابه؛

- تدارک جا و مکان و ملزومات برای مواقع اضطراری؛

- کمک اضطراری به منظور استقرار مجدد و حفظ نظم در مناطق آشفته؛

- مرمت اضطراری تسهیلات و امکانات ضروری عمومی؛

- جمع آوری فوری مردگان؛

- کمک به حفاظت از اموال ضروری برای بقای مردم؛

- فعالیتهای مکمل و ضروری جهت انجام هر یک از وظایف فوق.^{۲۱}

با اینکه اغلب موارد مذکور روشن به نظر می رسند، با این حال واقعیت آن است که در برخی از موارد ابهام وجود دارد. به عنوان مثال، مقصود از «جمع آوری فوری مردگان» چیست و چگونه این فوریت قابل سنجش است؟ منظور از اقدامات مربوط به رفع آلودگی مشخص نیست. آیا این اقدامات در خصوص آلودگی ناشی از سلاحهای به کار رفته در جنگ صورت می گیرد یا منظور رفع آلودگیهای انسانی است؟ دامنه این اقدامات چگونه است؟ آیا ارائه لباس و تجهیزات حفاظتی فردی و جمعی و وسایل پدافندی نظیر ماسک، لباس ضد عوامل جنگ نامتعارف و داروهای ویژه جنگهای ان.بی.سی (NBC)^{۲۲} را می توان در قالب «نجات» یا «ارائه خدمات درمانی» در آن ماده توجیه کرد؟ بدیهی است که خدمات پدافندی مذکور لازمه

جنگهای جدید است و حتی اگر در قالب تفسیر سنتی اقدامات پانزده گانه فوق قرار نگیرد، لازم است مورد تفسیر موسع قرار گیرد یا عقیده علمای حقوق به سمت جا انداختن این ضرورت و در نتیجه ورود آن به روثه دولتها حرکت نماید.

در اینجا باید به سه نکته مهم توجه داشت: اولاً؛ یک دسته اقدامات مذکور، از نظر طبیعی که دارند به دو دسته اصلی تفسیم می‌شوند: اقدامات ناظر بر پیشگیری از ایجاد مخاطرات برای جمعیت غیرنظامی در طول یک درگیری مسلحانه و دسته دیگر اقدامات مربوط به کاهش مخاطرات ایجاد شده و یا رفع آثار آنها. ثانیاً؛ سازمانهای دفاع غیرنظامی می‌توانند تمامی موارد پانزده گانه فوق یا برخی از آنها را انجام دهند. اما تعمیم آنها به اقداماتی که در قالب موارد مذکور نمی‌گنجد، مقدر نیست.^{۲۳} ثالثاً؛ در انتخاب موارد مذکور، آزادی عمل کامل برای سازمانهای دفاع غیرنظامی شناخته شده و پروتکل در این خصوص، هیچ گونه محدودیتی قائل نشده است. از این رو، مثلاً این سازمانها هستند که برای نجات جان جمعیت غیرنظامی می‌توانند ارائه پناهگاه یا تخلیه آنها را از منطقه درگیری برگزینند. اقدامات دفاع غیرنظامی بدون توجه به اینکه چه گزینه ای از موارد مذکور انتخاب شده است، مورد حمایت حقوق بشردوستانه خواهد بود.^{۲۴}

ج) انگیزه های انجام اقدامات بشردوستانه

با وجود آنکه دفاع غیرنظامی ماهیت بشردوستانه دارد و بدون نقش آفرینی و تأثیرگذاری بر نتایج عملیات نظامی از نظر شکست یا توفیق، صرفاً حمایت از غیرنظامیان در برابر آثار درگیریهای مسلحانه بین المللی را تعقیب می‌کند، اقداماتی که به عنوان «بشردوستی» انجام می‌گیرد باید در راستای تحقق مقاصد خاصی باشد. این مقاصد در ذات مفهوم «بشردوستی» نهفته‌اند، با این حال، از این جهت محدود است که مختص به «غیرنظامیان» بوده و سایر قربانیان مخاصمات را در بر نمی‌گیرند. در این خصوص، در بند ۱ ماده ۶۱ مقرر شده که منظور از اقدامات بشردوستانه در پهنه دفاع غیرنظامی باید موارد ذیل باشد:

- حمایت از سکنه غیرنظامی در برابر خطرات مخاصمات یا مصائب؛
- کمک به رفع آثار ناشی از مخاصمات یا مصائب؛
- تدارک شرایط و لوازم ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی.

بند نخست (حمایت از سکنه غیرنظامی در برابر خطرات مخاصمات یا مصائب). اساساً ناظر بر اقدامات پیشگیرانه است. در میان اقدامات مذکور در فوق، چهار مورد نخست (هشدار، تخلیه، اداره پناهگاهها و مدیریت اقدامات خاموشی) طبع پیشگیرانه^{۲۵} دارند. به جز مورد اخیر، سایر اقدامات حاصل پیشنهادهایی هستند که کمیته بین المللی صلیب سرخ در پیش نویس خود در این خصوص ارائه کرده بود. حمایت مورد نظر این بند، نه تنها در برابر مخاطرات ناشی از مخاصمات نظیر بمباران است، بلکه آثار ناشی از مصائب یا فجایع^{۲۶} را نیز در بر می گیرد. منظور از مصائب، کلیه حوادث طبیعی (نظیر جزر و مد) یا فجایع انسانی بدون ارتباط با درگیری (نظیر نشت گازهای سمی از کارگاههای شیمیایی یا حاوی مواد خطرناک) است که همزمان با یک درگیری بین المللی رخ می دهند.

از طرف دیگر، با اینکه اقدامات دفاع غیرنظامی از فوریت برخوردار هستند و این امر در قالب واژه «اورژانس» یا «امور اضطراری»^{۲۷} حداقل سه بار در ماده ۶۱ به کار رفته است، اما «تمهید شرایط و لوازم بقای جمعیت غیرنظامی»، زمان برتر است و تدابیر حمایتی بلند مدت را طلب می کند. ماده مذکور در این خصوص از مفاد ماده ۵۴ پروتکل، تحت عنوان «اهداف مورد حمایت» استفاده کرده است.^{۲۸}

۳- سازمان دفاع غیرنظامی: اوصاف و شرایط

همان طور که گفته شد، پروتکل اول الحاقی، مسأله دفاع غیرنظامی را به عنوان یک نهاد حقوقی و به صورت مجزا از سازمانی که کارکرد خود را بدان منتسب می کند، مطرح کرده است. بر اساس بند ۲ ماده ۶۱ پروتکل مذکور، سازمان دفاع غیرنظامی به معنای تأسیسات و سایر واحدهایی است که توسط مقامات صالح یک طرف مخاصمه جهت انجام هر یک از وظایف بشردوستانه مذکور در بند ۱ این ماده سازمان یافته و مجاز گردیده اند و منحصرأً برای انجام این وظایف تعیین شده و اختصاص یافته اند.

عبارت پردازی بند فوق نیز خالی از ابهام نیست، بلکه مسائل مختلفی در خصوص آن مطرح می شود که شرایط شکل گیری و پدیداری این سازمانها را تحت الشعاع قرار می دهد. در این خصوص اشاره به رویکرد حقوق بشردوستانه در تعریف سازمان، رابطه سازمان با اراده دولتهای طرف مخاصمه، شاخصهای زمانی در تعیین و تأسیس

سازمان و نهایتاً اشخاص حقیقی تشکل یافته در ساختار آن ضروری به نظر می‌رسد.

الف) رویکرد عملکردگرایی پروتکل در تعریف سازمان دفاع غیر نظامی

پروتکل در تعریف سازمانهای موسوم به دفاع غیر نظامی، رویکرد عملکردگرایی^{۲۹} را بر تصویر اسمی و صوری آن برتری داده است. بر این اساس، برای بهره مندی از حمایت‌های عام و خاص مقرر برای این سازمانها، داشتن عضویت رسمی در آنها ضروری نبوده بلکه این «کارکرد» است که شاخص تعریف سازمان و استقرار استحقاق حمایت‌های بین المللی برای سازمان و کارکنان آن می‌گردد. بر این اساس، علاوه بر اعضای سازمانهای دفاع غیر نظامی، کلیه غیر نظامیانی^{۳۰} که با وجود عدم عضویت، به درخواست مقامات صلاحیت‌دار داخلی پاسخ گفته و وظایف بشردوستانه دفاع غیر نظامی را تحت کنترل و نظارت آنها به انجام می‌رسانند، همانند کارکنان سازمان مورد حمایت و احترام خواهند بود.

اگرچه «منظور از تأسیسات و سایر واحدها»^{۳۱} روشن نیست، با این حال باید آن را در پرتو تعریف پروتکل از واحدهای درمانی و پزشکی تعبیر کرد. آنچه در تعریف این تأسیسات و واحدها باید مدنظر قرار گیرد، کارکرد آنهاست، نه وضعیت حقوقی تأسیس آنها بر اساس حقوق خصوصی یا عمومی دولت طرف مخاصمه. بنابراین منظور، کلیه نهادها، تشکیلات و سازمانهایی است که خواه بر اساس حقوق خصوصی یا عمومی داخلی به منظور انجام اقدامات مذکور در ماده ۶۱ ایجاد شده اند یا امکان انجام چنین اقداماتی را کسب نموده اند.

ب) رابطه سازمان دفاع غیر نظامی با دولت طرف مخاصمه

در بند ۲ ماده ۶۱ پروتکل اول تصریح شده است که باید رابطه حقوقی بین سازمان دفاع غیر نظامی و دولت طرف مخاصمه وجود داشته باشد. این رابطه به دو صورت تأسیس یا تعیین قابل تحقق است.

در حالت اول، از سوی دولت طرف مخاصمه، یک نهاد با شخصیت حقوقی داخلی برای انجام اقدامات بشردوستانه تأسیس و ایجاد می‌شود. این نهاد در صورتی که مستقیماً توسط دولت ایجاد و اداره شود، یک شخص حقوقی تابع حقوق عمومی خواهد بود و به عنوان یک نهاد دولتی فعالیت خواهد کرد. ضمن اینکه ممکن است مجوز تأسیس این نهادها به صورت غیردولتی نیز صادر شود.

در حالت دوم، دولت بدون اینکه در عرصه ساخت و پرداخت نهادهایی برای به عهده گرفتن امور دفاع غیرنظامی برآید، به نهادهای موجود (خصوصی یا دولتی) اجازه می دهد که اشتغالات مربوط به دفاع غیرنظامی را بر عهده گیرند.

اعلام اراده دولت، خواه در تأسیس یا تجویز نهادهایی برای بر عهده گرفتن امر دفاع غیرنظامی، از این جهت مهم است که در پی آن نوعی حق حمایت بین‌المللی برای آن نهادها، که اساساً تابع حقوق داخلی هستند، ایجاد می شود. مبنای شکل‌گیری این حمایتها، عمل یکجانبه است. بر این اساس، اعلام اراده یکجانبه دولت طرف مخاصمه، زمینه بهره‌مندی از این حقوق حمایتی را فراهم می‌سازد بدون آنکه نیازی به شناسایی آن توسط سایر دولتهای متخاصم یا غیرمتخاصم به عنوان یک سازمان دفاع غیرنظامی باشد، مشروط بر آنکه نهاد اعلام شده، واجد شرایط سازمان دفاع غیرنظامی به نحو مقرر در پروتکل باشد. از طرف دیگر، لازم است که سازمان مذکور، اختصاصاً به منظور انجام اقدامات دفاع غیرنظامی، «تأسیس» یا «تعیین» شده باشد.^{۳۲}

ج) شاخصهای زمانی در شرایط شکل‌گیری سازمان دفاع غیرنظامی

با اینکه سپردن وظایف بشردوستانه دفاع غیرنظامی به نهادهای موجود یا تأسیس نهادهایی اختصاصی بدین منظور، تابع صلاحدید دولتهای طرف درگیری بین‌المللی است و پروتکل الحاقی نیز در این خصوص محدودیتی برای دولتها ایجاد نکرده، اما لازم است کارکرد عملی این سازمانها در طول درگیری، اختصاصاً یک یا چند مورد از مصادیق پانزده گانه دفاع غیرنظامی باشد.

مبنای زمانی تشخیص قید «اختصاصاً»، مدت زمان وقوع درگیری مسلحانه بین‌المللی است. لذا معنای آن این نیست که تعیین یا تأسیس یک نهاد برای دفاع غیرنظامی امری «دائمی» باشد. بلکه ممکن است این امر به صورت موقت یا برای مدت زمان محدود و مشخص باشد. همان طور که کمیته دوم کنفرانس دیپلماتیک سال ۱۹۷۷ در این خصوص مقرر داشته، «مهم این است که در طول این دوره هرچند محدود از درگیری مسلحانه، آن نهاد صرفاً کارکرد دفاع غیرنظامی داشته و به امور دیگر نپردازد».^{۳۳} بنابراین در خصوص شرط زمان، انعطاف وجود دارد ولی کارکرد سازمان در آن مدت، الزاماً و انحصاراً باید دفاع غیرنظامی باشد.^{۳۴}

چنانچه کارکنان متشکل در این سازمانها اشتغالات متعدد داشته و حتی نظامی باشند، اما در صورتی که سه شرط ذیل توسط آنها رعایت گردد، از حمایت برخوردار خواهند بود:

- اقدامات آنان برای دشمن مضر نباشد؛ (شرکت در عملیات نظامی، مهمترین مصداق اقدامات مضر برای دشمن محسوب می گردد).
- در طول اقدام به عنوان عضوی از سازمان دفاع غیرنظامی، از انجام وظایف نظامی خودداری نمایند؛
- از آرم و مشخصه دفاع غیرنظامی برای نشان دادن ماهیت اقدام خویش استفاده نمایند.

۳- حمایت از سازمان دفاع غیرنظامی، کارکنان و اموال آنها

به نظر می‌رسد در خصوص سازمانهای مذکور و کارکنان و اموال آنها دو حمایت قابل تصور است: حمایت عام و خاص.

از آنجا که سازمان دفاع غیرنظامی یک هدف غیرنظامی به مفهوم ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی است؛ یعنی نقش و مشارکت مؤثری در مخاصمات ندارد، از حمایت‌های کلی مقرر در سایر اصول و قواعد حقوق بشردوستانه برای اهداف غیرنظامی برخوردار بوده، کارکنان آنها نیز همانند سایر افراد غیرنظامی مشمول احترام و حمایت خواهند بود. در واقع؛ باید از آثار درگیریها و حملات مسلحانه و عملیات جنگی در امان باشند و با رعایت اصل احتیاط در حمله، خسارت به آنها صرفاً به موارد اتفاقی یا وجود ضرورت نظامی محدود گردد.

لذا بر اساس اصل تفکیک؛ یعنی تمایز قائل شدن بین رزمندگان و غیرنظامیان و همچنین بین اهداف نظامی و غیرنظامی، حمایتی کلی برای سازمان دفاع غیرنظامی، کارکنان و اموال آنها پدید می‌آید.

سازمان دفاع غیرنظامی را نمی‌توان یک هدف نظامی دانست؛ زیرا اولاً؛ خود مستقل از اعضا و کارکنان آن، مشمول حمایت است، ثانیاً؛ اصولاً متشکل از غیرنظامیانی است که برای حمایت از غیرنظامیان فعالیت می‌کنند. در نتیجه حضور تعداد محدودی از نیروهای نظامی مأمور به فعالیت در دفاع غیرنظامی، سبب تغییر ماهیت «غیرنظامی» آن سازمان یا نیروهای آن نمی‌شود.

فصل ششم پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ ژنو که عنوان سازمان دفاع غیرنظامی دارد، در زیرمجموعه بخش چهارم؛ پروتکل یعنی «حمایت کلی از سکنه غیرنظامی در برابر آثار مخاصمات» آمده است. این امر ضمن آنکه حمایت‌های کلی از غیرنظامیان را به این سازمان و کارکنان آن (به جز نظامیان) تسری می‌دهد، در تفسیر مقررات آن فصل نیز موثر است؛ زیرا بر اساس ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات، متن (text) باید در زمینه (context) خویش قرار گرفته و تفسیر شود.

در کنار حمایت‌های کلی ناشی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، در ماده ۶۲، حمایت خاص از سازمان، کارکنان و اموال آنها پیش بینی شده است. بر اساس بند ۱ ماده ۶۲ «سازمانهای دفاع غیرنظامی و کارکنان آنها بر اساس پروتکل مورد احترام و حمایت خواهند بود. آنها حق دارند وظایف دفاع غیرنظامی خود را به انجام رسانند مگر در مواردی که ضرورت مبرم نظامی وجود داشته باشد».

از طرف دیگر، اموال این سازمانها نیز همانند یک مصداق از اموال و اهداف غیرنظامی مقرر در ماده ۵۲ پروتکل، مورد حمایت خواهد بود. بر اساس بند ۳ همان ماده: «ساختمانها و ادواتی که برای مقاصد دفاع غیرنظامی مورد استفاده قرار می‌گیرند و پناهگاههای مهیا شده برای سکنه غیرنظامی، تحت پوشش ماده ۵۲ قرار می‌گیرند. اموال مورد استفاده برای مقاصد دفاع غیرنظامی را نمی‌توان تخریب کرد یا کاربرد مناسب آنها را تغییر داد مگر توسط طرفی که مالک آنها است».

با این حال، از آنجا که ممکن است برخی از اموال این سازمانها تجهیزات و ادوات واحدهای نظامی باشد که برای خدمت در دفاع غیرنظامی به صورت دائمی یا موقت به آنها منتقل شده است، این اموال مشمول ماده ۵۲ نبوده و هرچند از حمایت برای استمرار وظایف دفاع غیرنظامی برخوردارند، اما تابع ضرورت نظامی خواهند بود. لذا به نظر می‌رسد که وضعیت حقوقی متفاوتی از اموال اصلی سازمانهای مذکور دارند؛ کما اینکه پروتکل اول هم آنها را از همدیگر تفکیک نموده و بند ۲ ماده ۶۵ و بند ۴ ماده ۶۷ را به آن اختصاص داده است.

کارکنان سازمان دفاع غیرنظامی، اصولاً «غیرنظامی» به معنای ماده ۵۰ پروتکل هستند. از این رو، مادامی که وضعیت خود را حفظ نموده و در راستای انجام وظایف دفاع غیرنظامی عمل نمایند، از حمایت‌های کلی مربوط به غیرنظامیان و همچنین

حمایتهای خاص مندرج در بندهای ۱ و ۲ ماده ۶۱ بهره مند خواهند بود. اما آن دسته از این کارکنان که نظامی بوده و از طرف نیروهای مسلح مأمور به خدمات در این سازمانها باشند، در صورتی که به دست دشمن بیفتند، اسیر جنگی محسوب خواهند شد.^{۳۵}

یکی از لوازم اجرا و رعایت حمایت از اموال و کارکنان دفاع غیر نظامی، استفاده از آرم یا نشان مشخصه بین المللی^{۳۶} است. دولتهای متخاصم در این خصوص موظفند ضمن تضمین کارکردهای دفاع غیر نظامی سازمان دفاع غیر نظامی، اموال و کارکنان آن، قابل شناسایی و تشخیص بودن آنها را نیز تضمین نمایند. هر چند روشهای قابل شناسایی کردن موارد مذکور به انتخاب دولتها واگذار شده و تنها حصول نتیجه شرط شده است، اما یک نشان بین المللی (یک مثلث متساوی الاضلاع آبی رنگ با زمینه نارنجی) و کارت شناسائی نیز تعیین شده است. سازمان، اموال، تجهیزات و کارکنان آنها (حتی نظامیان) و پناهگاههای غیر نظامی باید از چنین نشانی برای اعلام «قابل حمایت بودن» خویش استفاده نمایند.^{۳۷}

چنانچه سازمان، کارکنان، تجهیزات و پناهگاههای آنها خارج از وظایف دفاع غیر نظامی عمل نموده یا به کار گرفته شوند و در نتیجه آن ضرری برای دشمن پدید آید، این حمایت قطع خواهد شد. برای قطع این حمایت باید طرف مخاصمه، ضمن دادن اخطار و تعیین مهلت زمانی معقول بوده و با وجود این اخطارها و تعیین مهلت زمانی، باز هم اقدامات مستوجب قطع حمایت، تکرار شده باشد.

بند دوم: ارزیابی حقوقی کارکرد بسیج در عرصه دفاع غیر نظامی

به منظور بررسی موقعیت قانونی بسیج در انجام اقدامات دفاع غیر نظامی و ایفای کارکردهای بشردوستانه، ابتدا به بررسی منابع حقوقی کشور در پردازش این وضعیت خواهیم پرداخت و سپس در موارد لزوم، وضعیت مذکور را با در نظر داشتن عملکرد بسیج به ویژه در طول جنگ و آشوبهای داخلی در کشور، به صورت جزئی تر با مقررات حقوق بشردوستانه تطبیق خواهیم داد. در پایان نیز پیشنهادهایی برای بهبود کارکردهای مذکور با بهره گیری از موازین حقوق بین الملل ارائه خواهیم کرد. از آنجا که این موضوع به اندازه کافی در گزارشها و نوشته های علمی کشور منعکس

نشده، امید است این نوشتار مقدمه‌ای برای بررسی و ارزیابی‌های تحلیلی و تفصیلی آتی پیرامون آن باشد.

۱- جایگاه و ماهیت بسیج از منظر قوانین و مقررات نیروهای مسلح

نخستین تشکیلات مسئول دفاع غیرنظامی در ایران، «سازمان دفاع غیرنظامی» بوده که به موازات «سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی» برای تمهید توان ملی (در سطوح دولتی و غیردولتی) و مقابله با رویدادهای اضطراری اعم از وضعیتهای ناشی از درگیری مسلحانه و یا حوادث طبیعی یا انسانی در زمان صلح، فعالیت می‌کردند. سازمانهای مذکور ابتدا وابسته به نخست وزیری بودند و سپس تحت نظارت و مدیریت وزارت کشور قرار گرفتند.^{۳۸} بنابر این، تأسیس ابتدایی این سازمان در ایران، با شناسایی مسئولیتهای بشردوستانه آن، چه در زمان صلح یا جنگ همراه بوده است.

شورای انقلاب اسلامی در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ ضمن تصویب تشکیل سازمانی به نام «بسیج ملی» زیر نظر وزارت کشور، تشکیل ارتش بیست میلیونی به فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقابله با تهدیدات داخلی، خارجی و سوانح طبیعی را رسالت آن بر شمرد.^{۳۹} این شورا دو ماه پس از آن، به تشریح کارکردهای این سازمان پرداخت و ضمن تأکید بر ایفای نقش نظامی و دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی برای آن، از نظر سازمانی، آن را زیرنظر رهبر و وابسته به ریاست جمهوری اعلام کرد.^{۴۰} شورا به منظور یکنواخت کردن تشکیلات متعدد مذکور، همچنین ادغام سازمانهای «آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی» و «دفاع غیرنظامی» در سازمان جدیدالتأسیس «بسیج ملی» را تصویب نمود^{۴۱} و نهایتاً مجلس شورای اسلامی با توجه به اشتراکات کارکرد این سازمان با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ویژه «دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله با هر گونه تهدید»، مقرر نمود که سازمان مذکور، که عملاً به «بسیج مستضعفین» تغییر نام داده بود، تحت عنوان «واحد بسیج» در نیروی مذکور ادغام شود.^{۴۲}

این وابستگی نهادی و کارکردی در سایر منابع حقوقی کشور نیز استمرار یافته است. بر اساس ماده ۷۱ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،^{۴۳} سپاه موظف است در اجرای اصل ۱۴۷ قانون اساسی، واحدهای سازمان یافته بسیج

فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سازندگی را ایجاد و در اختیار دستگاههای اجرایی قرار دهد. این اقدام مربوط به زمان صلح بوده و در زمان جنگ و بحران، اعضای بسیج مطابق با سیاستهای ابلاغی از سوی ستادکل به کار گرفته می شوند. همچنین بسیج به عنوان یکی از ساختارهای زیر مجموعه سپاه است و یکی از اقسام کارکنان سپاه را اعضای بسیج تشکیل می دهند. این افراد از نظر سطح همکاری با سپاه و تلاش برای تحقق اهداف و مأموریتهای آن به سه دسته عادی، فعال و ویژه (پاسدار افتخاری) تقسیم می شوند.

بر اساس ماده ۶۱، آموزش دفاع غیرنظامی، در کنار دفاع نظامی و مقاومت محلی یکی از دروس آموزشی نیروهای عادی و فعال بسیج را تشکیل می دهد. وزارت آموزش و پرورش نیز موظف است با همکاری سپاه، دوره های آموزش دفاع نظامی، غیرنظامی و مقاومت محلی را به عنوان دروس اجباری در بین دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی اجرا کند.^{۴۴} این آموزش برای زنان، به ویژه در زمینه امداد، پشتیبانی، مقاومت محلی و دفاع غیرنظامی خواهد بود.^{۴۵}

۲- ارزیابی مختصر کارکرد ترکیبی بسیج با شاخص حقوق بشردوستانه

پیش از ارزیابی مختصر کارکرد ترکیبی بسیج، ذکر چند نکته ضروری به نظر می رسد: اولاً؛ بسیج یک نیروی ترکیبی است که فعالیت آن، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ ممکن و مجاز است، کما اینکه عملاً نیز بر این منوال بوده است. ثانیاً؛ از نظر ساختار، در بدنه نیروهای مسلح، یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار داشته و نیروهای آن، هم از نظر استخدامی و هم حقوق و تکالیف تابع مقررات سپاه هستند، ولی از هر دو نظر مذکور، وضعیتی متفاوت از سایر کارکنان سپاه دارند.

ثالثاً؛ در زمان جنگ، علاوه بر کارکرد دفاع غیرنظامی، می تواند در زمینه دفاع نظامی و حتی مقاومت محلی نیز فعالیت نماید، کما اینکه قانوناً چنین آموزشهایی برای آنها الزامی شده است تا در مواقع لزوم بر اساس آن عمل شود. ترکیبی بودن وظایف بسیج از مصوبات شورای انقلاب تا کنون حفظ شده است. با این حال، حقوق بشردوستانه، یکی از پیش شرطهای تشکیل یک سازمان دفاع غیرنظامی را «فعالیت اختصاصی در زمینه دفاع غیرنظامی» تلقی کرده است. از این

جهت ممکن است واحدهای بسیج و افراد وابسته به آن را نتوان به صورت کلی، مشمول مقررات ماده ۶۱ پروتکل الحاقی دانست. هرچند آموزش دفاع نظامی و مقاومت محلی در زمان صلح مانعی فراروی کارکردهای دفاع غیرنظامی به مفهوم بین المللی آن محسوب نمی‌شود. بر اساس مقررات بشر دوستانه مندرج در پروتکل اول الحاقی، در زمان جنگ و وقوع درگیریهای داخلی و بین المللی لازم است که صرفاً مسأله دفاع غیرنظامی اولویت یافته در دستور کار آن قرار گیرد و یا آنکه حداقل یگانهای دفاع نظامی و مقاومت محلی، از یگانهای اختصاصی دفاع غیرنظامی تفکیک شوند.

۳- همسازی ساختار سازمانی بسیج با مقررات بشردوستانه دفاع غیر نظامی

حقوق بشردوستانه، دفاع غیرنظامی را متناسب با هدف خود، یعنی حمایت از قربانیان به ویژه غیرنظامیان، مدنظر قرار داده و از این جهت الزامات خاصی را در خصوص شکل و ساختار سازمانهای مذکور، عمومی یا خصوصی بودن آنها و همچنین نظارت دولتی بر آنها یا کشوری و لشکری بودن سازماندهی کلی نیروهای دفاعی غیرنظامی قائل نشده است. حتی برای اینکه تصور نشود دفاع غیرنظامی الزاماً باید در قالب سازمانهای کشوری صورت پذیرد، مقرر نموده که می‌توان برای ایفای وظایف بشردوستانه مقرر در ماده ۶۱ پروتکل، سازمانهایی را تحت کنترل و نظارت قانونی یا عملی نیروهای مسلح تشکیل داد. به عبارت دیگر، صرفاً «حصول نتیجه»؛ یعنی حمایت از غیرنظامیان در طول درگیریهای مسلحانه شرط شده و ابزارهای لازم بدان منظور به سطح توان و صلاحدید دولتها محول گردیده است.^{۴۶}

در پروتکل اول الحاقی مقرر شده که اقدامات ذیل را نمی‌توان «مضر به حال دشمن» تلقی کرد و بر اساس آن حمایتهای بشردوستانه از سازمان دفاع غیرنظامی، اموال و کارکنان آن را قطع نمود:^{۴۷}

- چنانچه وظایف دفاع غیرنظامی تحت اداره یا کنترل مقامات نظامی اجرا شود؛
- چنانچه کارکنان نظامی در دفاع غیرنظامی و انجام وظایف بشردوستانه یا غیرنظامی همکاری کنند یا اینکه تعدادی از کارکنان نظامی به سازمانهای دفاع غیرنظامی ملحق شوند؛

چنانچه انجام وظایف دفاع غیرنظامی، بر حسب اتفاق، به سود قربانیان نظامی به ویژه رزمندگان خارج از میدان جنگ^{۴۸} تمام شود.

از این جهت، صرف وابستگی سازمانی و ساختاری بسیج به سپاه به عنوان یک نیروی مسلح نظامی، تأثیری بر ماهیت و کارکرد بسیج در اعمال وظایف دفاع غیرنظامی ندارد بلکه بهره مندی از حمایت‌های بین‌المللی مندرج در حقوق بشردوستانه برای این واحدها، نیروها و اموال آن در صورت رعایت سایر مقررات مواد ۶۱ تا ۶۷ پروتکل اول الحاقی، فراهم می‌گردد.

۴۸ بازاندیشی در سازماندهی و آموزش دفاع غیرنظامی در قالب بسیج

از نظر پروتکل، تنها سازمانهایی از حمایت ناظر بر دفاع غیرنظامی بهره‌مند می‌شوند که «منحصراً» در طول درگیری به فعالیتهای دفاع غیرنظامی بپردازند. اما بسیج از نظر قانونی تنها به منظور اقدامات دفاع غیرنظامی ایجاد نشده و چنین کار ویژه انحصاری ندارد. بنابراین، تنها در صورتی از حمایت‌های پروتکل بهره‌مند می‌شود که همانند سازمانهای دفاع غیرنظامی (هلال احمر، صلیب سرخ) در زمان وقوع درگیری، صرفاً اقدامات دفاع غیرنظامی داشته باشد یا اینکه یگانهایی از این نیروی چند منظوره و دارای کارویژه ترکیبی، صرفاً به دفاع غیرنظامی اختصاص یابد.

برای اینکه بسیج بتواند بر اساس پروتکل از مزایای حمایتی بین‌المللی در درگیریها برخوردار شود باید کارکرد اختصاصاً دفاع غیرنظامی را در زمان وقوع درگیریهای مسلحانه (که گستره زمانی اعمال مقررات دفاع غیرنظامی است) آن گونه که در بند ۱ ماده ۶۱ پروتکل اول مقرر شده، تأمین نماید. در این صورت حمایت‌های ماده ۶۲ پروتکل برای واحدهای دفاع غیرنظامی بسیج، اموال و کارکنان آنها و همچنین کلیه غیرنظامیان داوطلب در انجام این اقدامات اختصاصاً بشردوستانه فراهم خواهد شد.

نقش بسیج در زمان صلح، خواه در آموزش‌های نظامی عمومی و زمینه‌سازی تشکیل ارتش بیست میلیونی و خواه در اقدامات بشردوستانه در طول وقوع حوادث طبیعی یا انسانی غیرمرتبط با درگیری مسلحانه، تأمین نظم و امنیت عمومی از طریق توسل به اقدامات انتظامی و نظامی، ایفای نقش ضابط خاص دادگستری در برخورد با جرائم مشهود یا تحقیقات محلی، از جمله کار ویژه‌هایی است که موضوع

بحث دفاع غیرنظامی نخواهد بود. البته حقوق بشردوستانه نیز مانع از این کارکردها حتی توسط سازمانهای دفاع غیرنظامی نشده است، اما این سازمانها باید در زمان وقوع درگیری، صرفاً نقش بشردوستانه نهفته در مفهوم دفاع غیرنظامی (موارد پانزده گانه مندرج در بند ۱ ماده ۶۱ پروتکل اول الحاقی) را ایفا نمایند.

با توجه به ترکیبی بودن کارکردها و وظایف بسیج؛ یعنی «مقاومت محلی، دفاع نظامی و غیرنظامی» از یک سو و انتقال مسئولیتهای سازمان دفاع غیرنظامی سابق به این نهاد از سوی دیگر و همچنین لزوم همسازی اقدامات بسیج با مأموریتهای کلی سپاه، تشکیل یگانهایی مجزا برای ایفای وظایف دفاع غیرنظامی مواقع درگیری مسلحانه، کمترین کار خواهد بود.^{۴۹} این یگانها در زمان صلح می‌توانند همانند سایر اعضای بسیج عمل نمایند و دفاع غیرنظامی را در خصوص سوانح طبیعی همگام با سایر مسائل مربوط به دفاع نظامی تعقیب نمایند اما در زمان وقوع درگیریهای مسلحانه، باید صرفاً موارد پانزده گانه دفاع غیرنظامی را که مختص به حمایت از غیرنظامیان در برابر آثار درگیریهای مسلحانه و سوانح طبیعی یا غیرطبیعی رخ داده در این دوران است، دنبال کنند و حتی اموال این واحدها از سایر اموال سپاه و واحدهای دفاع نظامی تفکیک گردد.

از طرف دیگر، استفاده از نشان بین المللی سازمان دفاع غیرنظامی در طول درگیری مسلحانه نیز باید مورد تدقیق و آموزش قرار گیرد تا از طریق آن یا ایجاد نشانهای مخصوص دیگر، «مورد حمایت» بودن واحدهای ویژه دفاع غیرنظامی اعلام گردد و شناسایی آنها از سایر اعضای بسیج، که به عنوان یک «رزمنده»^{۵۰} حق شرکت در مخاصمات و عملیات نظامی را دارند، تسهیل شود.

شایان ذکر است که بر اساس اصول مسلم و عرفی حقوق درگیریهای مسلحانه^{۵۱} که در پروتکل اول الحاقی تدوین شده است،^{۵۲} تنها رزمندگان؛ یعنی اعضای نیروهای مسلح یک کشور، هستند که حق دارند از سلاح استفاده و در درگیریها و عملیات جنگی مشارکت نمایند. این افراد تابع حقوق و تکالیف خاصی بوده و در صورت دشمن، از مزایای بین المللی «اسیران جنگی» مندرج در کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو برخوردار خواهند بود. این در حالی است که سایر افراد، «غیرنظامی» محسوب می‌شوند و تابع حمایتهای کنوانسیون چهارم ژنو خواهند بود. سازمان دفاع غیرنظامی و کارکنان و اموال آنها نیز تابع کنوانسیون چهارم و حمایتهای پروتکل

اول الحاقی بوده، همانند «غیرنظامی» با آنها برخورد خواهد شد. در صورت مشارکت غیرنظامیان در اقدامات جنگی، آنها به عنوان «رزمندگان نامشروع»، حمایت‌های هر دو دسته مذکور را از دست خواهند داد. بنابراین، ایجاد مقررات مشخص برای تفکیک یگانهای دفاع غیرنظامی بسیج (واحدهایی که در زمان جنگ صرفاً باید وظایف بشر دوستانه خود را بدون مشارکت در عملیات نظامی تعقیب کنند) از سایر واحدهای سپاه، در ایجاد امکان بهره مندی آنها از حقوق و مزایای بین‌المللی شناخته شده در مقررات حقوق بشردوستانه نقش مؤثری دارد. با توجه به قوانین و مقررات موجود و کمبودهایی که به نظر می‌رسد در این خصوص وجود دارد، غیرنظامی کردن کار ویژه اختصاصی بسیج در زمان جنگ و یا تأسیس یگانهای اختصاصی در نیروی مقاومت بسیج سپاه بدین منظور، پیشنهاد و توصیه می‌شود.

نتیجه‌گیری

حقوق بشردوستانه به عنوان مقررات حاکم بر منازعات بین‌المللی و غیر بین‌المللی، حاصل تلاقی و توازن دو ملاحظه است که ذاتاً دارای رابطه دیالکتیک با یکدیگر هستند:^{۵۲} ملاحظات نظامی از یک سو و مقتضیات بشردوستی از سوی دیگر. با این حال، رسالت حقوق بشردوستانه یا حقوق درگیریهای مسلحانه، تأمین رفتار انسانی و تعمیم آن از زمان صلح به دوران درگیری و شبیه‌سازی وضعیت غیرنظامیان و قشرهای آسیب‌پذیر در زمان صلح در عین وجود درگیری و منازعه مسلحانه یا جنگ است.

دفاع غیرنظامی در حقوق بشردوستانه همانند سایر نهادهای این حوزه از نظم حقوق بین‌المللی، دستخوش تغییر و تحول شده است. در مقایسه کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو با پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ از نظر دفاع غیرنظامی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولاً؛ در کنوانسیون چهارم، دفاع غیرنظامی به معنای موسع آن به کار رفته بود و در واقع «حمایت غیرنظامی»^{۵۳} بود تا «دفاع غیرنظامی». ولی در پروتکل اول الحاقی، صرفاً «دفاع غیرنظامی»^{۵۵} به عنوان گستره فعالیت سازمانهای مذکور قرار گرفت.

ثانیاً؛ در کنوانسیون چهارم، صرفاً حق پیگیری و استمرار اقدامات بشردوستانه این سازمانها در قلمرو تحت اشغال بیگانه پیش بینی شده بود ولی در پروتکل اول الحاقی، این امر به کلیه وضعیتهای درگیری مسلحانه بین المللی تسری یافت. ثالثاً؛ پروتکل اول الحاقی با توسعه مقررات حمایت از سازمانهای دفاع غیرنظامی، برای تسهیل در اعمال آن حمایتها، مقرر نمود که یک نشانه بین المللی برای آنها ایجاد شود.

نقطه اشتراک موارد فوق در این است که دفاع غیرنظامی یک نهاد حقوقی است که صرفاً در درگیریهای بین المللی معنا و مصداق دارد. بر اساس نظر سرویس مشورتی کمیته بین المللی صلیب سرخ،^{۵۶} عدم تصریح پروتکل دوم الحاقی به دفاع غیرنظامی، به منزله عدم شناسایی این نهاد در درگیریهای غیر بین المللی نیست. بلکه سازمانهای دفاع غیرنظامی در این درگیریها نیز از حق اقدام و استحقاق حمایت برخوردارند، اما قواعد حاکم بر اقدامات آنها را باید در پرتو حمایتهای کلی اعطا شده به جمعیت غیرنظامی در برابر خطرات عملیات نظامی، (بند ۱ ماده ۱۳ آن پروتکل) استخراج نمود.^{۵۷}

در خصوص اعمال این نهاد در طول شورشهای داخلی^{۵۸} نیز وضع تا حدود زیادی روشن است. نه تنها پروتکل دوم الحاقی در بند ۲ ماده ۱، شورشها و آشوبهای داخلی را از شمول پروتکل مستثنی کرده است، بلکه بر اساس اصول تفسیر معاهدات به ویژه توجه به قصد طرفهای متعهد و کارهای مقدماتی مربوط به پروتکل،^{۵۹} نه تنها چنین قصدی برای اعمال دفاع غیرنظامی در طول شورشهای داخلی وجود نداشته است بلکه به عکس، صراحتاً پیشنهاد کمیته بین المللی صلیب سرخ توسط دولتها در کنفرانس مذکور رد شد.^{۶۰} این امر در تفسیر صلیب سرخ از ماده ۶۱ نیز مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، مقرر شده که اگر در طول درگیری بین المللی شورش صورت گیرد که مخاطراتی برای جمعیت غیرنظامی در پی داشته باشد، دفاع غیرنظامی به تبع بین المللی بودن درگیری، قابل انجام خواهد بود.^{۶۱}

اما از جهت ابهامهای بدون پاسخ در اسناد حقوقی بین المللی در خصوص درگیریهای مسلحانه، مسأله امکان ایجاد اختلاط در نهادهای حقوقی است که خود موجب اختلاط قواعد حقوقی نیز خواهد شد. در پاره‌ای موارد ممکن است سازمانهای دفاع غیرنظامی خدمات امدادی انجام دهند. در این صورت چه تفاوتی بین این

سازمانها با صلیب سرخ و هلال احمر وجود خواهد داشت؟ این در حالی است که خدمات امدادی تابع مقرراتی متفاوت از دفاع غیر نظامی است. از طرف دیگر، تغییر ماهیت درگیریهای بین المللی جدید، می طلبد که وظایف بشر دوستانه دفاع غیر نظامی نیز از پانزده مورد مذکور در ماده ۶۱ پروتکل فراتر رود. مسأله دفاع یا پدافند شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای^{۶۲} یکی از لوازم دفاع غیر نظامی در دوران اخیر است که هر چند بسیار ضروری است اما در قالب پروتکل ۱۹۷۷ نمی‌گنجد.

از منظر نقش بسیج در ایفای کارکردهای دفاع غیر نظامی، بدون شک با توجه به ادغام سازمان دفاع غیر نظامی و انتقال مسئولیتهای آن به این سازمان بر اساس مصوبه شورای انقلاب در سال ۱۳۵۹ و ادغام سازمان بسیج در سپاه، یکی از مسئولیتهای قانونی بسیج، دفاع غیر نظامی؛ یعنی بهره گیری از اقدامات لازم برای حمایت از غیر نظامیان در طول درگیریهای مسلحانه داخلی و بین المللی است. از آنجا که ماده ۶۱ پروتکل اول مقرر نموده که تشکیلات و نهادهای ملی مسئول دفاع غیر نظامی باید توسط مقامات صالح آن دولت برای ایفای چنین نقشی تأسیس یا مجاز شده باشند، مصوبات شورای انقلاب و مجلس شورای اسلامی به معنای اعطای چنین اختیاری به واحدهای بسیج سپاه است.

از طرف دیگر، استقرار بسیج به عنوان واحدهایی از سپاه، تأثیری بر وظایف و حقوق مربوط به دفاع غیر نظامی ندارد. اما از آنجا که سازمانهای دفاع غیر نظامی در طول درگیریهای مسلحانه (زمان فراهم شدن امکان به فعلیت درآمدن قابلیت‌های بشردوستانه) باید منحصراً وظایف دفاع غیر نظامی را انجام دهند و از سایر وظایف اعم از نظامی یا غیر آن خودداری ورزند، واحدهای نیروی مقاومت بسیج سپاه نیز برای بهره‌مندی از حمایت‌های بین المللی مندرج در این پروتکل باید به گونه‌ای بازسازماندهی شوند که یگانهای دفاع غیر نظامی اعم از امداد، خدمات بهداشتی، پدافند غیر نظامی و نظایر آن از سایر یگانهایی که نقش دفاع نظامی یا مقاومت محلی ایفا می‌کنند، از نظر سازمان، کارکنان و اموال تفکیک شوند. بر اساس ماده ۶۵ پروتکل، در صورتی که اعضای واحدهای دفاع غیر نظامی به امور دیگری بپردازند که برای دشمن مضر باشد، حمایت‌های بین المللی ایجاد شده برای آنها متوقف خواهد شد.

فارغ از سایر مسائل مرتبط با این بحث، تخصصی کردن دفاع غیرنظامی در کشور از طریق تقویت و آموزش بسیج، نقش مهمی در حمایت از غیرنظامیان در طول وقوع درگیریهای مسلحانه دارد. امروزه اغلب کشورها برای تأمین امنیت داخلی اعم از امنیت اجتماعی، جسمی و روحی غیرنظامیان در برابر آثار و پیامدهای آشفته کننده جنگ، سازمانهای دفاع غیرنظامی را با تدوین مقررات و دستورالعملهای منظم، اختصاص امکانات پیشرفته و بهره‌گیری از نیروهای متخصص تأسیس کرده‌اند. در کشور ما نیز لازم است با عمق بخشیدن به کارکردهای بسیج در خصوص دفاع غیرنظامی، اطمینان ملی در تأمین امنیت مردم در صورت وقوع درگیری مسلحانه تقویت گردد. بدون شک، گستره عام و مردمی بسیج سبب می‌شود که دفاع غیرنظامی بیشترین حوزه جامعه را فرا گیرد. در این صورت حمایت از غیرنظامیان در طول درگیریها، که رسالت ایجاد نهاد دفاع غیرنظامی در حقوق درگیریهای مسلحانه است، بهتر تأمین خواهد شد.

با توجه به تجارب بسیج در طول جنگ تحمیلی، ظرفیتهای و قابلیت‌های چنین جهشی در کشور وجود دارد. با این حال، در بازسازماندهی واحدهای بسیج باید مقررات حقوق درگیریهای مسلحانه مدنظر قرار گیرد؛ زیرا اولاً؛ ایران به کنوانسیونهای ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از قربانیان درگیریهای مسلحانه پیوسته و در اسفند ۱۳۸۲ نیز لایحه الحاق به پروتکل‌های ۱۹۷۷ پس از تصویب دولت، با نظر مثبت و موافق در دستور کار مجلس قرار گرفته است که به نظر می‌رسد مورد تصویب مجلس نیز قرار بگیرد. در واقع؛ دفاع غیرنظامی با رعایت مقررات حقوق بشردوستانه، به منزله تعهد بین المللی کشور و یکی از اقدامات مربوط به اجرای ملی آن^{۶۳} خواهد بود. ثانیاً؛ بهره‌مندی از حمایت‌های بین المللی مقرر برای دست اندرکاران دفاع غیرنظامی، مستلزم رعایت مقررات بین المللی مذکور خواهد بود.

برای انطباق وضعیت و کار ویژه بسیج با شرایط و لوازم حقوقی بین‌المللی بهره‌مندی از این حمایتها، به نظر می‌رسد که تبدیل دفاع غیرنظامی به کارویژه «اختصاصی» بسیج «در زمان جنگ» و یا ایجاد یگانهای دفاع غیرنظامی با کارکرد صرفاً غیرنظامی قابل توجه خواهد بود. بدون شک، این دو گزینه مانع از استمرار فعالیتهای چندمنظوره بسیج در زمان صلح نیست.

در هر صورت، نقش بسیج در ایجاد اطمینان عمومی به اثربخشی اقدامات دفاع غیرنظامی و رفع کمبودهای کنونی در کشور (به رغم وجود نهادهایی که کارایی آنها در دفاع غیرنظامی) چشمگیر نبوده باید تعمیق گردد. بسیج از نظر سطح گستردگی نیرو و همچنین ظرفیتها و قابلیت‌های نهفته آن، گزینه‌ای مناسب برای مدیریت متمرکز دفاع غیرنظامی در کشور به نظر می‌رسد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

1. The Law of Use of Force, Jus ad bellum or jus contra bellum.
2. Jus in bello, the law of Armed Conflict or the ancient concept referred to as "law of War".
3. A. Roberts, "Implementation of the laws of war in late 20th century conflicts", Part 1, Security Dialogue (SAGE Publications, Oslo), vol. 29, no. 2, June 1998, p. 142.
4. International Court of Justice (ICJ)
5. "Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons", International Court of Justice Reports (ICJ Rep.) 1996, para.
- ۶ - البته برخی حقوقدانان غربی درصدد برآمده اند تا از تصمیم نهایی دیوان در خصوص «سکوت حقوق بین الملل پیرامون مشروعیت یا عدم مشروعیت کاربرد یا تهدید به کاربرد سلاح هسته ای در شرایط حادّ دفاع از خود که در آن بقای یک دولت در معرض خطر است و اینکه «عموماً تهدید یا کاربرد سلاح هسته‌ای مغایر با حقوق بشردوستانه خواهد بود» این نتیجه را اتخاذ کنند که در شرایط حادّ دفاع از خود، استفاده از این سلاح حتی با نقض حقوق بشردوستانه مجاز است. به نظر آنها دیوان، اصل تفکیک حقوق توسل به زور و حقوق بشردوستانه را کنار گذاشته است. این در حالی است که چنین استنتاجی، سوء استفاده از رأی دیوان است. توسل به سلاح هسته ای در شرایط حادّ دفاع از خود، در صورتی مجاز است که در قالب ممنوعیت «عمومی» مورد نظر دیوان از منظر حقوق بشردوستانه، قرار نگیرد.
- ۷ - همچنین ر.ک به: نادر ساعد، «حقوق بشردوستانه و جنگ سلطه»، سیاست دفاعی، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۲، صص ۶۹-۶۸.
8. ICRC, "Humanity in the Midst of War - Fundamental Principles for humanitarian Action", (2001), <http://www.icrc.org/eng/ihl>.
در کنار این دو مجموعه حقوقی، «حقوق نیویورک» یعنی قواعد حمایتی بر گرفته از تصمیمات ملل متحد را نیز باید در نظر داشت.
9. Resion d' etre
10. protection of victims
11. limitation of warfare means and methods
- ۱۲ - عدم آزادی عمل دولتها در کاربرد روشها و ابزارهای جنگی، یک قاعده عرفی و ارگا اومنسس در حقوق بشردوستانه است. ر.ک به: حسین شریفی طراز کوهی و نادر ساعد، «ارزیابی تحلیلی تهاجم به عراق از منظر حقوق بین الملل»، فصلنامه راهبرد دفاعی، (پیش شماره اول، تابستان ۱۳۸۲)، ص ۱۱۷.
13. Distiction principle
14. civil protection
15. protection civile

۱۶-ر.ک. به:

Y. Sandoz et. al. (eds.), Commentary on the Additional Protocol (I) to the 2 Aug. 1949 Fourth Geneva Conventions (hereinafter "ICRC Commentary"), "Commentary on Art. 61", (Geneva, ICRC, 1987), p. 713, footnote 1.

با این حال، حمایت از صنایع نظامی ممکن است با آنچه در صدر این تعریف یعنی «فقدان طبع و ماهیت نظامی» اقدامات دفاع غیر نظامی ارائه شده است، مابینت داشته باشد.

17. J. Pictet, Red Cross Principles, (Geneva, ICRC, 1956), pp. 14-31.

18. A. Durand, The International Committee of Red Cross, (Geneva, ICRC, 1981), p. 54. See Robin Coupland, "Humanity: What is it and how does it influence international law?", International Review of Red Cross (IRRC), (Vol. 83, No. 844, Dec. 2001), pp. 969-989.

۱۹- از این جهت، یک مزیت برای نظامیان عضو این سازمانها پیش بینی شده است. ظاهراً این تفکیک بر مبنای آن است که غیر نظامی به هیچ وجه حق اسلحه به دست گرفتن ندارد، حتی برای دفاع از خود.

۲۰- بند ۱(و) ماده ۶۷ پروتکل اول الحاقی.

۲۱- بر اساس تفسیر کمیته بین المللی صلیب سرخ، موارد اول و سوم حالت پیشگیرانه دارند، در حالی که مورد دوم، یک اقدام درمانی و جبرانی یا اقدامات پس از وقوع خطر و زیان را در بر دارد. رک به:

ICRC Commentary, "Commentary on Art. 61", pp.721-722, paras. 2348, 2353 and 2355.

22. Nuclear, Biological and Chemical (NBC) War.

23. ICRC Commentary, "Commentary on Art. 61", p.719, para. 2344.

24. ICRC Commentary, "ommentary on the Title Part IV, Section I, Chapter VI", p. 715, para. 2334.

25. Preventive

26. disasters

27. emergency

۲۸- با این حال، ماده ۵۷ پروتکل از اموال indispensable یاد کرده و ماده ۶۱ از اموال essential نام برده است. بر اساس تفسیر صلیب سرخ، واژه اخیر مفهوم گسترده تری از ماده ۵۷ دارد. (تفسیر کمیته صلیب سرخ، ص ۷۳۰، پاراگراف ۲۴۰۱).

29. Functionalism

۳۰- بر این اساس، کارکنان دفاع غیر نظامی اصولاً غیر نظامیان هستند. «اقدام غیر نظامیان برای نجات غیر نظامیان» اساس کار سازمانهای دفاع غیر نظامی است. نظامیان در صورتی می توانند در این حوزه وارد شوند که اولاً؛ از طرف نیروی مسلح مأموریت دائمی برای خدمت در این سازمانها داشته باشند و ثانیاً؛ از نشان بین المللی و کارت شناسایی دفاع غیر نظامی استفاده نمایند. با این حال، ممکن است که برخی از اقدامات دفاع غیر نظامی به نفع نظامیان تمام شود نظیر اخطار و هشدار یا نظارت بر اقدامات خاموشی. با این حال، بر اساس بند (ج) ۲ ماده ۶۵ پروتکل اول

الحاقی، این منافع اتفاقی برای نظامیان سبب قطع حمایت از سازمان دفاع غیرنظامی و کارکنان و اموال آنها نمی‌شود.

- 31. Establishments or other unites
- 32. Assigned or devoted exclusively to civil defence.
- 33. CDDH/406/Rev.1, para. 41.
- 34. ICRC Commentary, p. 733, para. 2414.

۳۵- بند ۲ ماده ۶۷ پروتکل اول الحاقی.

36. International distinctive emblem

۳۷- ماده ۶۶ پروتکل اول الحاقی.

۳۸- ر.ک به مصوبه ۱۳۵۳/۱۲/۱۹ در مورد قانون تشکیل سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۵۵/۱۱/۲، قانون اصلاح موادی از قانون سازمان دفاع غیرنظامی کشور مصوب ۱۳۵۶/۱/۳۰.

۳۹- لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بسیج ملی مصوب ۱۳۵۹/۲/۱۰، روزنامه رسمی شماره ۱۰۲۸۰-۱۳۵۹/۳/۲۴ و همچنین مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور سال ۱۳۵۹، ص ۸۳.

۴۰- لایحه قانون تشکیل سازمان بسیج ملی، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، صص ۲۸۶-۱۸۴.

۴۱- لایحه قانونی راجع به ادغام سازمانهای آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی و دفاع غیرنظامی در سازمان بسیج ملی مصوب ۱۳۵۹/۴/۴، مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۵۹، ص ۲۹۴.

۴۲- قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۸، روزنامه رسمی ۱۳۵۹، صص ۵۲۳-۵۲۲.

۴۳- مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۴، روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۰۲-۱۳۷۰/۸/۲۷.

۴۴- ماده ۶۴ قانون مقررات استخدامی سپاه.

۴۵- تبصره ۳ همان ماده و تبصره ۲ ماده ۶۶ قانون مقررات استخدامی سپاه (در خصوص آموزش زنان در مقاطع دانشگاهی).

46. See ICRC, "Civil Defence in International Humanitarian Law", (2003), <www.icrc.org>.p. 2.

۴۷- بند ۲ ماده ۶۵ پروتکل اول الحاقی.

48. hore de combat

۴۹- وجود سایر سازمانهای دفاع غیرنظامی در کشور نظیر هلال احمر، مانع از برجسته شدن این کارکرد بسیج نیست. بلکه اولاً؛ در مواقع بحرانها به ویژه در اثر درگیریهای مسلحانه، صرفاً هلال احمر قادر به تأمین حفاظت از غیرنظامیان نخواهد بود. ثانیاً؛ تجربه برخی حوادث در کشور که حتی منشا درگیری مسلحانه نداشته اند (نظیر زلزله اخیر بم) نشان داده که بسیج از بسیاری جهات، برای ایفای این گونه مسؤلیتها قابل توجه و اتکا خواهد بود.

50. Combatant

۵۱- منظور این است که عدم پذیرش رسمی این اصول و عدم عضویت در اسناد حقوق بشردوستانه نیز نمی تواند مانعی فراروی التزام بین المللی یک کشور به آن اصل باشد.

52. Jakob Kellenberger, "International Humanitarian Law at the Beginning of the 21st Century", 26th Round Table in San Remo on current problems of international humanitarian law, (2002), ICRC homepage.

۵۳. سید قاسم زمانی، حقوق بین الملل و ممنوعیت کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، (تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۶)، صص ۳۳-۳۵ و

J. Abi-Saab, "The Specificities of Humanitarian Law", in: R. Swinarski (ed.), Studies and Essays on International Humanitarian Law and Red Cross Principles in honour of Jean Pictet, (Martinus Nijhoff, 1984), p. 265.

54. Civil Protection Organization

55. Civil Defence

56. ICRC Advisory Service on International Humanitarian Law

57. ICRC, "Civil Defence in International Humanitarian Law", op.cit., p. 1.

58. Internal Strives

۵۹. ماده ۳۱ کنوانسیون وین حقوق معاهدات ۱۹۶۹.

60. CDDH/II/SR.61, para.s. 63, 74, 77-78; CDDH/II/SR.62, para. 46.

61. ICRC Commentary, "Commentary on Art. 61", pp. 721-722, para. 2352.

62. See Stephane Jeannot, "Civil Defence 1977-1997: from law to practice", International Review of Red Cross, (Vol. 325, 1998), p. 717.

63. ICRC, "National Implementation of International Humanitarian Law: Civil Defence", (2004), <www.icrc.org>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی